

آمریکا در قفقاز و اروپای شرقی به دنبال چیست؟

سرویس قفقاز/خبرگزاری آران
 خبرگزاری آران / سرویس قفقاز : سفر چند روزه ی وزیر امور خارجه آمریکا به برخی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و نیز قفقاز که هدف از آن تحکیم دموکراسی در این کشورها و مذاکره در مورد امنیت منطقه و صلح اعلان شده، در حالی به پایان رسید که درباره ی اهداف این سفر، تحلیل های گوناگونی صورت گرفته است.

به گزارش ایرنا، سفر دوره ای « هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه آمریکا به مجارستان و اوکراین و نیز سه کشور منطقه قفقاز که پیش از فروپاشی شوروی سابق جزئی از خاک این کشور و یا در قلمرو نفوذ آن بودند، با فاصله ی کوتاهی پس از دیدار روسای جمهور ایالات متحده و روسیه در واشنگتن بیش از پیش جنبه های کوتاه مدت و تاکتیکی مذاکرات و توافقات واشنگتن-مسکو را هویدا می سازد.

بسیاری از تحلیل گران با توجه به مذاکرات اخیر میان آمریکا و روسیه و توافقات صورت گرفته پیش بینی می کردند که با کاهش تنش های موجود، روابط دو کشور به سمت همگرایی راهبردی پیش رفته و موارد پر شمار اختلافات در زمینه های گوناگون سیاسی-امنیتی و اقتصادی-تجاری کم رنگ تر از گذشته شود.

اگرچه بحران ناشی از دستگیری جاسوسان منسوب به روسیه در آمریکا، چالش جدیدی را در روابط دو کشور ایجاد کرد، اما سفر اخیر کلینتون به منطقه قفقاز و اروپای شرقی که حیات خلوت و حوزه ی نفوذ روسیه به شمار می رود و تاکید بر پی گیری منافع و اهداف واشنگتن در منطقه باعث شد تا این فرضیه تقویت شود که بازی اخیر دو کشور بیشتر در حوزه مسائل تاکتیکی صورت گرفته تا همگرایی و همکاری های راهبردی.

نخستین کشور میزبان کلینتون در سفر دوره ای اخیر وی مجارستان بود. وزیر امور خارجه آمریکا که در یازدهم تیرماه، به بهانه ی شرکت در دهمین سالگرد ایجاد سازمان «بنیان جامعه ی دموکراتیک» به مجارستان سفر کرده بود، در ابتدا با سخنرانی در این مراسم، هدف خود را از حضور در منطقه تحکیم بنیان های دموکراسی عنوان کرد و تشکیل سازمان مزبور را با ابتکار «مادلین آلبرایت» وزیر امور خارجه ی پیشین آمریکا در سال 2000 میلادی، نمونه ای از تلاش های آمریکا در این زمینه قلمداد کرد.

و اما حضور کلینتون در «بوداپست» پایتخت مجارستان به دغدغه های دموکراتیک آمریکا محدود نشد و مقامات دو کشور در زمینه ی مسائل دوجانبه، امنیت قاره ی اروپا و نیز موضوع استقرار موشک های آمریکایی در منطقه گفت و گو کردند. پس از نرمن ایالات متحده ی آمریکا در مساله ی استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، به نظر می رسد این کشور به دنبال بازیابی موقعیت تضعیف شده ی خود در نظام امنیتی منطقه است. آن چه مشخص است این که آمریکا حاضر نیست توافقات این کشور با روسیه به عنوان عقب نشینی واشنگتن از جایگاه پیشین در اروپای شرقی برداشت شود.

حضور کلینتون در اوکراین را نیز می توان در چارچوب دغدغه های امنیتی ایالات متحده مورد بررسی قرار داد، با این تفاوت که استفاده از حربه ی تلاش برای گسترش دموکراسی به منظور اعمال فشار بر مقامات اوکراینی در راستای رعایت ملاحظات امنیتی آمریکا صورت گرفت.

پس از سقوط دولت مورد حمایت آمریکا در اوکراین، به قدرت رسیدن «ویکتور یانکوویچ» رییس جمهور جدید، باعث شد تا تمامی معادلات واشنگتن در این کشور به هم ریخته و اوکراین به رقیب آمریکا یعنی روسیه نزدیک شود.

وقوع انقلاب نارنجی با حمایت آمریکا در سال 2004 موجب شد تا ایالات متحده به اوکراین به دیده ی یک شریک راهبردی در منطقه نگریسته و حتی مقدمات پیوستن این کشور به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» را فراهم آورد.

در شرایط جدید، نه تنها اوکراین از پیوستن به ناتو اعلان انصراف کرد، بلکه انجام هفت ملاقات بین یانکوویچ و «دمیتری مدودیف» رییس جمهور روسیه طی سه ماه اخیر نشانه ای از نزدیکی بیش از حد دو کشور می باشد. در این ملاقات ها موافقت نامه ی 25 ساله ی دوره ی استقرار ناوگان دریای سیاه روسیه در اوکراین و تخفیف سی درصدی در قیمت فروش گاز روسیه به امضای دو طرف رسید.

در مقابل این چرخش صریح مواضع اوکراین نسبت به کشور رقیب، آمریکا می کوشد جایگاه خود را در این کشور اروپای شرقی باز یافته و روابط دو کشور را در حد مشارکت راهبردی و در سطح دولت گذشته اوکراین حفظ نماید که این امر ناشی از نگرانی شدید مقامات آمریکایی از سرعت نزدیک شدن کیف به مسکو است .

در راستای تلاش برای کسب موقعیت از دست رفته، کلینتون در دومین نشست کمیسیون راهبردی آمریکا و اوکراین شرکت و اعلام کرد: آمریکا به دنبال برقراری همکاری های جدید اقتصادی و تجاری با کیف است. بسیاری از تحلیل گران معتقدند آمریکا در شرایطی که دشواری های اقتصادی فراوانی پیش روی دولت یانکوویچ قرار دارد با ارایه کمک های مالی و وام، به دنبال بازیابی نفوذ پیشین خود در این کشور است.

از سوی دیگر وزیر امور خارجه آمریکا با رهبران مخالف دولت یعنی «یولیا تیموشنکو» و «ویکتور یوشنکو» نخست وزیر و رییس جمهور سابق در «کیف» دیدار کرده و با اعلان حمایت آمریکا از گسترش دموکراسی، سعی کرد تا دولت جدید را در راستای رعایت مقاصد واشنگتن در منطقه زیر فشار قرار دهد.

از مهمترین بخش های سفر دوره ای کلینتون، می توان به ملاقات وی با «الهام علی اف» و «المار محمد یارف» رییس جمهور و وزیر امور خارجه ی جمهوری آذربایجان اشاره کرد. این سفر نیز که با عنوان تلاش آمریکا برای حل مناقشه «قره باغ» بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در چارچوب گروه «مینسک» (سازمان امنیت و همکاری اروپا) و در پوشش دغدغه های صلح طلبانه و دموکراسی خواهانه آمریکا انجام شد، اهدافی را دنبال می کرد که تناسخ چندان با اهداف اعلانی نداشت.

این سفر که نخستین سفر کلینتون به جمهوری آذربایجان محسوب می شود به منظور تعقیب بازه ی گسترده ای از اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی در این کشور انجام شد. باکو از سال 1373 با عضویت در برنامه مشارکت برای صلح ناتو، در زمینه های اقتصادی از جمله با احداث خط لوله باکو-جیحان و همچنین در زمینه های سیاسی نظیر اعزام نیرو به افغانستان و عراق با آمریکا همراهی کرده است. اگرچه این همراهی ها برای حل مشکلات کلان مقامات باکو به ویژه مناقشه قره باغ نتیجه ای در بر نداشته است، اما با وجود این، آمریکا در چارچوب سیاست های خود در منطقه همچنان منافع خود در این کشور را پی گیری می کند.

سفر کلینتون در شرایطی صورت می گیرد که طی ماههای اخیر به ویژه پس از کمک مالی امریکا به جدایی طلبان قره باغ و ارمنستان برای سال 2010 و توقف کمک مالی به جمهوری آذربایجان در همین سال، لغو تمرین مشترک نظامی برنامه ریزی شده دو کشور و شدت گرفتن تلاش های رایو آزادی آمریکا برای تخریب دولت علی اف، مناسبات باکو و واشنگتن به سردی گراییده است. در عین حال این سفر به فاصله کمتر از یک ماه از دیدار «رابرت گیتس» وزیر دفاع آمریکا از جمهوری آذربایجان صورت می گیرد که بحث های گوناگونی را درباره تلاش واشنگتن برای استقرار پایگاه در جمهوری آذربایجان به وجود آورد.

آمریکا با کسب امتیازاتی نظیر پایگاه نظامی به دنبال تقویت نفوذ خود در منطقه قفقاز است. به وجود آمدن مشکلات جدید برای انتقال نیرو و محموله های نظامی به افغانستان و احتمال بسته شدن پایگاه «ماناس» در قرقیزستان، دلایل دیگری است که تلاش های واشنگتن برای کسب امتیاز پایگاه نظامی در این کشور را شدت می بخشد. همچنین با توجه به درگیری های نظامی سال 1387 در اوستیای جنوبی، ایجاد مسیر جایگزین گرجستان برای انتقال انرژی در دستور کار دولت آمریکا می باشد.

احتمال بروز بحران جدید در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر مساله ی قره باغ موضوعی است که در زمینه ی افزایش نقش آفرینی و نفوذ موثر شورهای چون روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، نگرانی های آمریکا را برمی انگیزد.

حضور وزیر امور خارجه ی آمریکا در یک روز، یعنی سیزدهم تیرماه در دو کشور ارمنستان و آذربایجان ابعاد دیگری از برنامه های ایالات متحده در منطقه ی قفقاز را روشن می سازد. در این زمینه واشنگتن تلاش کرده است که با در نظر گرفتن هر چه بیشتر منافع ارمنستان، دولت روسیه را به ویژه با استفاده از زد و بندهای کلان با خود همراه کند. البته به نظر می رسد که آمریکا پیش از این به دنبال آن بود که ابتدا روند عادی سازی مناسبات ترکیه و ارمنستان را به پیش برد و یا دست کم این که این روند با حل مناقشه قره باغ همراه باشد، اما برنامه عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان، به دلایل مختلف در عمل متوقف شده است. از این رو به نظر می رسد امریکا هرچه بیشتر تلاش های خود را برای پیشبرد طرح خود درباره قره باغ متمرکز کرده است. طرحی که بیش از هر چیز معطوف به حفظ منافع آمریکا در منطقه و نه حل واقعی بحران می باشد و این موضوع در نهایت جمهوری آذربایجان را در تنگنا قرار می دهد.

آخرین ایستگاه سفر وزیر امور خارجه ی آمریکا، «تفلیس» پایتخت گرجستان و تنها شریک به جا مانده از دوران انقلاب های رنگی مورد حمایت واشنگتن بود. ملاقات «میخائیل ساکاشویلی» رییس جمهور گرجستان و هیلاری کیلینتون در پانزدهم تیرماه، ناظر بر اعلان حمایت واشنگتن از مواضع تفلیس برای خروج نیروهای روسی از مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی بود که در تابستان سال 1387 و طی جنگ چند روزه گرجستان و روسیه با حمایت مسکو، استقلال خود را اعلام نموده بودند. در این دیدار کلینتون اظهار داشت: زمینه ی مساعدی برای خروج نیروهای روسی از مناطق اشغال شده فراهم و در جهت حفظ تمامیت ارضی گرجستان تلاش خواهد کرد. در این زمینه برخی تحلیل گران معتقدند وزیر خارجه ی ایالات متحده در دیدار با رییس جمهور گرجستان، ساکاشویلی را از نتایج سفر اخیر مدودیف به واشنگتن مطلع کرده و سعی دارد دغدغه های تفلیس در این باره را بر طرف سازد.

با پایان سفر کلینتون به منطقه و مذاکرات وی با سران کشورهای اروپای شرقی و قفقاز بایستی به انتظار نشست که تا چه اندازه ایالات متحده خواهد توانست در شرایط جدید و پس از عقب نشینی در برابر روسیه در شرق اروپا و تحولاتی چون روی کار آمدن دولت های جدید در قرقیزستان و اوکراین و تیرگی روابط واشنگتن-باکو موقعیت تضعیف شده ی خود را بازیابد.
پایان پیام.